

حامد محقق، معاون شعر و ادبیات داستانی خانه کتاب می‌گوید تفاوت جشنواره شعر فجر امسال با سال پیش، حذف بخش شعر کودک و نوجوان است که از این پس در جایزه ملی و بین‌المللی کتاب کودک داوری می‌شود. وی در گفت‌وگو با‌مه‌ر درباره تقویم اجرایی جشنواره شعر فجر توضیح داد؛ با توجه به تغییراتی که در وزارت ارشاد اتفاق افتاده است، امیدواریم از نظر زمانی طبق تقویم

تفاوت‌های جشنواره شعر فجر با سال گذشته

راه‌انداخته‌ایم

«ظهور» را از آغاز تاریخ تا بازه کنونی بررسی کرده‌ایم

ایمامه... این فرایند فقط منحصر به یک بازه تاریخی نیست بلکه هم‌اکنون در زندگی ما جریان دارد. شما اربعین را ببینید که آیا تحقق همین نبود! یا عاشوراها از همان عاشورای ۶۱ هجری تا تجلی‌های بعدی‌اش همین بود؛ روزی که همه مردمان را با امام آنها فرامی‌خوانند، رستاخیز و عاشورا و اربعین بدین‌گونه است و اتفاقا غدیر نیز قرار بود این‌گونه باشد اما نشد! این فرایند کلی حاکم بر آفرینش است. اگر بخواهیم در روند حرکت به سوی قیامت به همان مرحله بعدی، یعنی خود قیامت برویم که ظهور تام صحنه است، باید این موضوع «وحدت انسان‌ها ذیل امام» را بتوانیم به تحقق و ساختاربندی برسانیم که به عبارتی دیگر می‌شود همان «ظهور امت اسلامی».

۴] اکنون به بحث تاریخی‌اش بپردازیم؟

از یک منظر، شما نمی‌توانید انسان‌ها چگونه به وجودآمده و در زمین پراکنده شدند اما از منطری دیگر، شما با راهنمایی قرآن به منشأ یگانه آفرینش زمینی باور دارید، یعنی همه را فرزندان آدم و حوا می‌شمارید، با این باور درباره توزیع و پراکنش جمعیتی در قوم، قبیله و اقوام، بایستی ناگزیر به یک چرایی و تحلیل بپردازیم. به نظر من در راستای چنین پویش و پژوهشی بایستی در گستره بینش دینی‌مان به دوران توفان نوح بازگردیم. ما دوران پیشانیایی اولوالعزم را داریم یعنی از آدم تا توفان نوح! [روایات، با مرزده‌های حضرت آدم و سپس نویدهای جانشینانش از خود نوح، چونان مهدی دوران و نجات‌بخش در پایان دوران یادکرده‌اند؛ البته پایان دوران با آخرالزمان دو مولفه دیگرسان و جداست] ماجرای توفان را بایستی در این چارچوب



خداوند یاری‌شان می‌کند؛ این قاعده جدی و سنت بزرگ الهی است! بایستی به سمت وحدت برویم. این وحدت طبیعتا در سایه دو مولفه است؛ یکی امام است که محور وحدت و همبستگی است که شکر خدا ظهور ایشان در حال زمینه‌سازی جدی و فراهم‌شدن است و البته در ادامه همان بودن در ذیل امام و اقتدا به امام است که جایگاه محور دوم یعنی «امر آگاهی» مشخص می‌شود و جایگاه ولی فقیه تجلی همین امر آگاهی است. درباره دومین مولفه که بر محور آگاهی روشن‌گرانه و جدی است، باید آگاهی جهانی بالا برود و البته روند آگاهی جهانی به نحوی دارد ارتقا می‌یابد. آقا که به ما می‌گویند جهاد تبیین! یعنی همین که فهم کنیم جهان و روند جهانی چگونه است و چه رویدادهایی در حال شکل‌گیری، کنشگری و انگیزداری است.



بررسی اندیشه علامه مصباح در یک نشست

نشست «مطهری زمان» جهت بررسی آرا و اندیشه‌های مرحوم علامه مصباح یزدی (ره) به‌مناسبت چهارمین سالگرد درگذشت مرحوم علامه مصباح در مجموعه فرهنگی سرچشمه به مدت سه روز در تاریخ‌های نهم، دهم و یازدهم دی‌ماه برگزار خواهد شد. در این برنامه فردا از ساعت ۱۵:۴۵ الی ۱۷ باحضور حجت‌الاسلام صفدر الهی‌راد و مهدی جمشیدی در رابطه با نقش مرحوم علامه مصباح در پاسخگویی به شبهات اعتقادی و همچنین منطق کنشگری سیاسی ایشان گفت‌وگو خواهد شد. همچنین روز دوشنبه از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰ با حضور حجت‌الاسلام شبان‌نیا و حجت‌الاسلام احمد رهدار در موضوعات فلسفه و اندیشه سیاسی مرحوم علامه مصباح گفت‌وگو خواهد شد. روز سه‌شنبه از ساعت ۱۵ الی ۱۶:۳۰ با حضور نمایندگان مجلس درباره کنشگری سیاسی و علمی علامه مصباح گفت‌وگو خواهد شد. علاقه‌مندان می‌توانند از طریق لینک پرس‌لاین جهت شرکت در نشست ثبت‌نام به عمل آورند.

جشنواره پیش‌برویم و جشنواره را به بهترین شکل و در زمان مناسب خودش برگزار کنیم، طبق تقویم جشنواره، اوایل دی، زمان انتخاب دبیر علمی و اعضای هیأت علمی جشنواره است و ایام دهه فجر هم اختتامیه آن را برگزار خواهیم کرد. رسم همیشگی جشنواره شعر فجر این بوده که اختتامیه آن هم‌زمان با دیگر جشنواره‌های فجر، در دهه فجر برگزار شود که امسال هم به همین شکل

بررسی کرد که از دوران پساتوفان که نوح چونان بنیانگذار و تمدن‌ساز تجلی کرد، به‌ویژه برای استقرار حکومت الهی آخرالزمانی (و ملک مهودی) گام‌های جدی برداشت. کاش می‌توانستیم در راستای سخن شما خود ما نیز مستندهای اقناعی و جذاب بسازیم و در آن مستندها به روشنگری درباره نگره خودمان بپردازیم! من می‌اندیشم که در دوران پساتوفان نوح بود که قاعدتا جمعیت‌های جهانی در ساختاری مدیریت‌شده از تپه نجف که اتفاقا کشتی نوح بر آن استقرار یافت، در گستره جهان توزیع و پراکنده شدند. به عبارتی این کار حضرت نوح با برنامه‌ریزی عالمانه ایشان است نه رخدادی اتفاقی و پیشامدی متغلاته یا درواکنش به‌شرايط...

۴] درباره کشتی نوح این روشنگری بایسته است که کشتی مشهور آزارات نمی‌تواند کشتی نوح باشد و نشانه‌های پژوهش‌شده دیگری روشن‌مان می‌کند که داستان فرجام توفان را اندیشیده‌شده و با منظورهایی عمدا به سوی این کشتی ارجاع می‌دهند؟

البته در این باره پژوهش‌هایی هست که خدمت‌تان ارائه خواهد شد؛ فکر می‌کنم این حدود ۸۰ نفر کشتی‌نشینانی که همراه نوح بودند، نه آدم‌های عامی و معرفت‌نچشیده بلکه مومنان، بزرگان و انبیای برجسته‌ای بودند. گروهی از اینها در میان‌رودان [ایا] ارک عرب یا کمان سبز یا هلال خصب] با جناب نوح ماندند و کار نسل‌های بعدی‌شان در روند روزگاران به بت‌پرستی کشید و از آنها با عنوان عاد، نمود، دوران نمود... یاد می‌کنیم. گروهی بنا به احتمال به‌سوی شام با رهبری سام‌ابن نوح رفتند که هم‌والی نام سام و شام باتوجه به نوع تلفظ همگون سین وشین در عربی و عبری، تأییدکننده این نظر می‌نماید؛ اگر جمعیتی سپس در طول زمان به سوی اروپا رفته، در نتیجه مهاجرت و جابه‌جایی همین گروه باید باشد که مهاجرتی برنامه‌ریزی‌شده برپایه ایمان و جابه‌جایی مومنان بوده اما متأسفانه در طول زمان به گمراهی کشیده شدند. گروه دیگری به مصر وارد شدند و در ادامه تا انتهای آفریقای سفر کردند، متأسفانه این گروه نیز پس از چندین دوره به بت‌پرستی فروغلتیدند.

اما گروه مهم و محوری در بینش ما؛ به‌سوی شرق کوچید کردند، ایران را برگزیدند و نیاکان ما ایرانیان، همین گروه هستند که احتمالا فرمانروای ایشان همان کیومرث باید باشد [خوانش کهن‌ترش کیومرث است یعنی زنده میرا] که گزارش آن را در شاهنامه حکیم جاجودان یاد، فردوسی می‌بینیم. اینان نخستین ایرانیان هستند. ویژگی‌های برشمردنی این گروه از جمله این است که برخلاف دیگر گروه‌ها و حتی کسانی که با جناب نوح ماندند و به بت‌گراییدند، نیاکان ما ایرانیان در این سرزمین هرگز بت‌پرست نشدند. چنین سخنی هرگز تعریف از خود نیست (بلکه واقعیت و راستی است و برپایه ماموریتی که در آخرالزمان برای ما تدارک و پیش‌دیده شده سخن می‌گوییم) همیشه یکتاپرستی و توحید در ایران رواج داشته و حاکم بوده است؛ البته بایستی ببذیریم که تاریخ راستین ما همان است که جناب فردوسی فزانه گزارش کرده، نه این مایه از تحریفاتی که در آن ایجاد کرده‌ایم. به نظر می‌رسد بدان‌گونه که فردوسی می‌گوید، نخستین سلسله پادشاهی در این سرزمین «پیشدادیان» بودند، سپس کار

به نظرم در حال سیر به سوی ظهور حق هستیم و حق در حال آشکارگی است. بنابراین این جای ناامیدی هرگز ندارد! از شهادت حاج قاسم به این سو، روند این همه رخداده‌ها واقعا روشن است که در حال گذار به یک فضا و دوران متفاوت هستیم. اصلا مگر می‌شود چنین شهادی بزرگی در آخرالزمان داده باشیم و بخواهد این کوشش‌ها و سر و صدا بخواهد! آن نویمیدی فراگیر اما [که در روایات ملاحم و آخرالزمانی آمده] استیصالی است که از دیگران و دیگر قید و قیود در عموم ایجاد می‌شود تا امیدها فقط به امام وصل و متوسل شود؛ صحنه آشکار است و امر ظهور در حال کارسازی و رخ نشان دادن است؛ یار، بی‌پرده از در و دیوار / در تجلی‌ست یا اولی‌الانصار!

خواهد بود. وی همچنین درباره ناشران افغانستانی و امکان حضور آنها در جشنواره شعر فجر گفت؛ طبق آیین‌نامه، کتاب‌هایی که در ایران وزیرنظرسیستم چاپ و نشر ایران چاپ شده، مورد داوری قرار می‌گیرد. اگر در ایران مجوز چاپ گرفته باشند، در ایران منتشر شده باشد و پروسه نشرشان در ایران طی شده باشد، تحت داوری قرار می‌گیرد.



گزیده مباحث گفت‌وگو

موضوع مهدویت موضوع تمام ادیان و ماموریت بنیادین و اصلی پیامبران است

۱

به کیانیان می‌رسد و در ادامه‌شان سانسایان بر سر کار می‌آیند. فردوسی، این میراث را در فضای امنیتی و تهدید شدیدی توانسته «به پیوند درآرد» و نظم شاهنامه را به انجام برساند؛ اگر نه دقیقی توسی از او پیشتر تا کار را آغاز کرد، ترور شد! بنابراین اگر فقط قرار به سرودن شعر پیوندی (یعنی مثنوی) بود که کار دشواری نیست و «بسی رنج بردم» نمی‌داشت و نمی‌خواست اباری، مایکتایرست و موحد برجامانندیم. از ایران، سه مهاجرت سامان داده شد؛ یکی به سوی هند یا جنوب شرقی و خاوری ما که بت‌پرستی و جن‌پرستی به‌شدت باورهاشان را درنوردید. دیگری به سمت شمال شرق که توران یا ترکستان نامیده می‌شده، از دریاچه آرال تا شمال و پهنه مغولستان و دیگر پراکنش و یکجاکزینی به سوی چین بود. فرهنگ این هر سه در بنیادشان همان فرهنگ ایرانی است و امروز برای مردم شناسان چین و ژاپن، کاملا روشن است که فرهنگ شکل‌گرفته در آنجا، ادامه فرهنگ ایران است.

۴] و اما درباره کریستف کلمب که سخن از کشف آمریکا زده؟

در حالی که انسان‌هایی در آن سامان بودند و بسی پیشتر از او آن سرزمین را درنوردیده و آنجایی شده بودند، اینان چه‌کسانی بودند، مگر از پشت آدم و حوا بودند! شما در روند این روایت که با توفان و کشتی نوح تاج آغاز شد، چنانچه با مهدلی پیش بیایید، هیچ استعبادی ندارد که ببذیرید فناوری ساخت کشتی توفان نورد نوح با توفان به پایان نرسیده و آن تجربه ادامه‌یافته؛ زیر نوح به ته‌هایی و بدون همکار که کشتی نساخت. [زیرا همواره مومنانی و الا مقام در سطح هریامبری با و همراه‌اند و این سنت را خاندان وحی برای ما با سخنان‌شان روشن فرموده‌اند]. به نظر می‌رسد که گروهی [اساسا ایرانی] پس از توفان با همان فناوری به سوی قاره باختری کوچیدند و موج دومی نیز پس از بامداد اسلام از سوی مسلمانان با همان کشتی‌های آن دوران سامان داده شدند که بسی پیشتر از کلمب به آن سامان رسیدند و به همزیستی با بومیانش پرداختند. هرچند کار آنها نیز به ماه‌پرستی و طبیعت‌گرایی ... کشید. از این افق معنایی، می‌توانید جهان را دارای یک ریشه و بنیاد فرهنگی یگانه بدانید و به‌راستی، نقش ایران را در این روند خلاقه، بسیار جدی و موثر ارزیابی کنید. اکنون نیز در حال بازگشت به همان وحدت هستیم، روند جریان‌ها و تحولات آخرالزمانی به‌سوی همان وحدت‌گرایی و همبستگی جاری است اما متأسفانه جریان‌های اختلاف‌افکن توانسته‌اند این همگرایی را بشکنند و این ملل را از هم جدا کنند. حال در آخرالزمان و در روند «ملاحم و حوادث آخرالزمانی» داریم ذیل امام به‌گردهم می‌آییم.

۴] جبهه اهریمن به گونه‌ای در کار پیشگیری از رخدادهای ناگزیر آخرالزمانی است که به سوی ایجاد ملک مهدوی می‌رود. با خراسان بزرگ چنان کرده‌اند که همیشه پراکنده و پجران زده باشد بلکه سر بلند نکنند، یم را پیش از قدرت گرفتن این چنین می‌گویند و سوریه را هم که شاهدید؟

الیبس از روز نخست، علیه ما جنگ افزایش به کار برده و هنوز هم با همان به رویارویی می‌پردازد؛ همان نزاع و تفرقه‌افکنی که در راستای گزند زدن به وحدت‌گرایی و همبستگی موحدانه ماست. شکاف و تفرق از همان روز نخست با آن اختلاف‌افکنی میان دو برادر شکل گرفت و هنوز هم از راهبرد تفرقه‌افکنی اهریمن است که در حال آسیب دیدن هستیم. هرگاه شرایطی فراهم شده که می‌توانست آن وحدت و همگرایی نهایی را ساختاری و نهادینه کند، اهریمن به اختلاف‌افکنی پرداخته، همانند شکل‌گیری قوم بنی‌اسرائیل، مثل ناسازگاری برادران یوسف یا خیزش سامریان؛ هرگاه در همین سرزمین خودمان خواست تمدن‌سازانه بالا گرفته، بازهم جنگ و نا همگرایی به آن روند وحدت‌بخش گزند زده است.

قاب

شهادت هنرمند فلسطینی در غزه

یک هنرمند فلسطینی به همراه همسرش در حمله هوایی رژیم صهیونیستی در روز کریسمس به اردوگاه آوارگان النصیرات در غزه، به شهادت رسیدند. والا جمعه الافرنجی که در زمینه نویسندگی، خطاطی، طراحی لباس و منتگنری فعال بود، به همراه همسرش احمد سعید سلامه، پس از انتقال به بیمارستان شهدای الاقصی جان خود را از دست دادند. حساب اینستاگرام این هنرمند که برخی از آثارش را در آن به نمایش می‌گذاشت، بیش از ۹۵ هزار دنبال‌کننده داشت. او عکس‌ها و ویدئوهایی از خود در لباس‌های سنتی فلسطینی با گل‌دوزی‌های ویژه به اشتراک می‌گذاشت.

